

چرایی قیام عاشورا، از پگاه شکل گیری این نهضت سترگ، توجه دانشمندان و احیاگران دینی و مصلحان سیاسی و اجتماعی را به خود معطوف ساخته و در شمار مهم ترین پروژه های پژوهشی تحلیلگران و ژرف اندیشان قرار گرفته است . این رخداد از جهت انگیزه، ابزارها و شیوه های به کار گرفته شده در آن، به موضوعی جاودانه برای نظریه پردازی مبدل گشته و در طول تاریخ انسان های حقیقت جو و ژرف اندیش را به کشف ناگفته های خود فرا خوانده است تا با توجه به توان علمی و ذوق سلیم خویش به تحقیق در این رویداد بپردازند و به نتایجی تازه دست یابند .

گذشته های دور کارهای نسبتا بزرگ و جالب و آثار تقریبا قابل قبولی درباره قیام عاشورا عرضه شده است اما این به معنای پایان کار نیست . حادثه کربلا چون سلسله کوه هایی است که حوادث بسیار پشت آن قرار

گرفته، از دیدرس انسان های عادی دور مانده است . بازشناخت همه دیدگاه ها درباره این قیام جاودانه فرصتی فراتر از یک مقاله می جوید .

از این رو، نوشتار حاضر به ذکر برجسته ترین نظریه ها که عمدتا در چند دهه اخیر ارائه شده، می پردازد . نگارنده در میان این رهیافت ها «انجام تکلیف دینی و تحقق وظیفه شرعی » (نظریه ۱۱) را زاویه نگاه خود به قله بلند عاشورا دانسته، مهم ترین رهیافت ها درباره نهضت عاشورا عبارت است از:

۱ . تشکیل حکومت اسلامی و براندازی نظام ستم پیشه حاکم
در این نگره، استراتژی امامت بر دو رکن مهم پایه گذاری شده است:
الف) تبیین ایدئولوژی اسلام ومقابله با برداشت ها و نگاه های تحریفی به دین
ب) به دست گرفتن قدرت اجرایی (حکومت) برای اجرای احکام اسلام
بدون طرح و برنامه، قدرت اجتماعی و سیاسی به نظام اسلامی نمی انجامد و داشتن طرح و ایدئولوژی بدون قدرت اجرایی کاری از پیش نمی برد . پس هدف

امام دستیابی به حکومت اسلامی بود تا در پرتو آن به اسلام عینیت بخشد . بزرگانی چون سید مرتضی، شیخ طوسی، امام خمینی و با اندک تفاوتی این خلدون این دیدگاه را پذیرفته اند؛ البته این خلدون بر آن است که عدم دریافت اطلاعات جامع درباره قدرت حاکم و وضعیت فکری – سیاسی جامعه به ناکامی نهضت انجامید. هر چند که امام خمینی (ره) علاوه بر این این نگرش، بر رهیافت انجام تکلیف دینی و تحقق وظیفه شرعی تکیه داشته و نهضت و انقلاب اسلامی را با همین نگرش آغاز کردند.

۲ . شهادت طلبی و مرگ سرخ گزینی

در این دیدگاه، امام حسین به تجربه ای دست زد که درک آن جز برای کسانی که آن را لمس کرده اند، امکان پذیر نیست . امام (ع) در موقعیتی قرار گرفت که بتواند از میان انواع مرگ ها برترین (مرگ سرخ) را برگزیند . این نوع مرگ بهترین شیوه لقای پروردگار است و در پرتو آن اندیشه بی هیچ محمل مادی به حیات خویش ادامه می دهد .

حسین (ع) خود را فدا کرد تا دین پیامبر (ص) بماند و چنان پیام داد که ایده باید بماند هر چند همه طرفدارانش ناپود شوند . رد پای این تفسیر در آثار پژوهشگرانی چون صافی گلپایگانی، مرتضی مطهری، محمد تقی شریعتی، علی شریعتی، ، سید بن طاوس، هاشمی نژاد و اقبال لاهوری مشاهده می شود. البته بین دیدگاه شهید مطهری و علی شریعتی در این

# عاشورا و نگاه ها

مورد تفاوتی اندک وجود دارد . شریعتی روش امام را پیکار خونین و انقلابی می داند و مطهری اصلاح اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر .

۳ . منازعه تاریخی قومی

در این دیدگاه، حادثه کربلا با توجه به پیشینه اختلافات قبیله ای بنی هاشم و بنی امیه تحلیل می شود و اختلافات تاریخی این دو خاندان عامل اصلی قیام به شمار می آید .

به عقیده «عباس محمود عقاد» حسین (ع) و یزید دو نمونه از دو خانواده مصداق حق و باطلند و عاشورا دنباله نزاع همیشگی این دو خانواده است. دکتر شهیدی نیز با مینا قرار دادن اسناد تاریخی، امام حسین (ع) را نماینده کامل جبهه حق، یزید را مجسمه جبهه باطل و قیام عاشورا را شدیدترین و بارزترین رویارویی حق و باطل می داند .



۴ . حرکتی دموکراتیک در پاسخ به خواست مردم

در این نگاه، قیام ماهیتی دموکراتیک دارد که به خواست مردم آغاز می شود و تا وقتی مردم به خواست شان وفا دارند، تداوم می یابد؛ اما وقتی مردم از خواست خود سر برتافتند، عقب می نشینند و رهبری قیام پیشنهاد ترک محاصمه می دهد . در این تحلیل، قیام عاشورا از یک شخصیت دموکرات سرزده است .

۵. دفاع از کیان اسلام

نهضت عاشورا از این منظر ماهیتی خدایی دارد؛ نهضتی که در راستای دفاع از کیان اسلام و قوانین قرآن آگاهانه و مسؤولانه و حق محور تحقق یافت و مهم ترین شاخصه حقانیت آن جامع نگری دینی است .

۶ . گریز از بیعت و پرهیز از ذلت

در این تحلیل، امام از یک سو مسؤول حفظ دین است و از دیگر سوی، آزاده ای قهرمان که هرگز در برابر یزید سر تسلیم فرود نمی آورد و برای احتراز از بیعت قیام می کند . در این دیدگاه، امام در جهت تحقق هدف اش به هر کار مشروعی دست می زند .

۷. اصلاح امور اجتماعی و احیای امور دینی

در این تفسیر، اقدام امام حسین (ره) حرکتی اصلاحی بود تا تفکر سیاسی مردم و حاکمان و نیز رفتار سیاسی مردم مسلمان بر اساس اصول اسلامی

## {محرّم}

سامان یابد . امام خود را در برابر نظامی که کتاب و سنت و حقوق مردم را نادیده می گیرد، می بیند . در این موقعیت، با هدف اصلاح به قیام روی می آورد تا این ساختار را، متناسب با اصول و مبانی اسلامی، باز سازی کند .

۸ . تحقق انقلاب در تعقیب رسالت الهی

در این تحلیل، هدف قیام تحقق انقلاب برای تشکیل نظام مطلوب است و به وسیله امام که تداوم بخش سیاست است، انجام می گیرد .

در این نظریه، گاه امام در قالب جریان کاملی که درباورهای مذهبی شیعه ریشه دارد، مطرح می شود و گاه در قالب مردی انقلابی و فداکار که قصد دارد با براندازی حکومت بنی امیه زمام امور مسلمانان را به دست گرفته، عدالت را در جامعه برقرار سازد .

۹ . تدبیری دفاعی برای رویارویی با خطرات احتمالی آینده

در این تحلیل، امام موضع دفاعی دارد و حکومت برخورد تهاجمی . امام تنها دو راه در پیش دارد: تسلیم یا مقاومت . در آن موقعیت، براندازی ممکن نمی نمود و تسلیم شدن جز مشروعیت نظام حاکم که خلاف مصالح اسلام و مسلمانان به شمار می آمد، معنایی نداشت، از این رو، امام به تدبیری دفاعی روی آورد .

۱۰ . انجام تکلیف دینی و تحقق وظیفه شرعی

در این نگاه، انجام دادن تکلیف الهی عامل عمده قیام شمرده می شود و رهاورد آن یا حکومت است یا شهادت . این تحلیل در برداشتی بنیادین از انسان ریشه دارد. در این برداشت، نظام هستی بر اساس مسؤولیت شکل گرفته، آب حیات مسؤولیت به جامعه و بشر روح و زندگی می بخشد؛ پدید آوردن انسان های متعهد فلسفه شمرده می شود و در مسیر مسؤولیت قرار گرفتن، مهم ترین امتیاز انسان . امام (ع) جامعه اسلامی را با ظلمات و انحرافات آمیخته می بیند، نظام حاکم را دچار فسادی بنیادین می یابد و از تغییر کامل آموزه های الهی بیمناک می گردد، قیام برای تجدید بنای نظام و جامعه

اسلامی را بر خود فرض می بیند . این تحلیل از مستندات گفتاری و کرداری برخوردار است؛ همچون این فراز از سخنان امام حسین (ع) در برابر ولید در مدینه: «و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید؛ اگر امت به سرپرستی چون یزید مبتلا شد، باید با اسلام خداحافظی کرد .» که جامعه اسلامی را در شرف سقوط معرفی کرد . امام (ع) در فراز «خروجت لطلب الاصلاح فی امة جدی؛ برای اصلاح در امت جدم پیامبر اکرم (ص)» قیام نمود. « نیز بر انجام تکلیف و مسؤولیت باز گرداندن جامعه اسلامی از انحراف به اصلاح پای می فشارد . همچنین در نامه به مصریان می فرماید: «فان السنة قد افینت و البدعة قد احییت فان تسمعوا اهدیکم الی الرشاد؛ سنت پیامبر (ص) ناپود شده و بدعت در دین زنده گشته است اگر شنوا باشید، شما را به سوی راه راست هدایت می کنم ». این عبارت وجود انحرافی بزرگ را یادآور می شود و سرانجام این فراز «انی لاراجو ان یکون خیرا ما اراد الله بنا قتلنا م ظفرنا؛ به بهترین چیزی که خدا برای ما خواسته است، امید دارم؛ چه کشته شویم یا پیروز گردیم .» نشان می دهد که وی به وظیفه می نگرَد نه نتیجه . در این تحلیل، امام حسین (ع) به عنوان یک الگو مطرح می شود . الگویی که هنگام تهاجم گسترده فرهنگی دشمنان اسلام، در ایجاد انگیزش و خودسازی و جامعه سازی، کاربردی معجزه آسا دارد و مصداق روشنی از «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» است.

# امام حسین علیه‌السلام، چراغ اسلام

مدینه به سوی مکه بیرون شدند و در مکه اقامت گزیدند. امام حسین علیه السلام مورد توجه مردم قرار گرفت. آنها به سوی او می آمدند در اطراف او می نشستند و سخنش را می شنیدند و از آنچه از او می شنیدند سود می جُستند وگفته هایش را ضبط کرده و می نوشتند تا از او روایت کنند.»
علائلی در سمو المعنی نگاشته است: «مردم چنان شیفته معنویت و عظمت روح امام حسین علیه السلام بودند و چنان امام حسین علیه السلام محبوبیت داشت که از همه کس و همه جا منصرف و منقطع شده و به سوی او می شتافتند. کسی جز امام حسین علیه السلام نبود که این همه مرید و ارادتمند داشته باشد؛ گویی مردم در وجود امام حسین علیه السلام حقیقت دیگری از عالم ابداع الهی را تماشا می کردند. چون امام حسین علیه السلام سخن بگوید مثل آن است که زبان عالم غیب باز شده و آنها را از رموز و اسرار پنهان وحقایق نهان آگاه می سازد؛ و زمانی که خاموش می شد، سکوتش به گونه ای متفاوت آنها را از حقایق دیگر با خبر می ساخت؛ زیرا پاره ای از حقایق را جز با خاموشی عمیق نمی توان اظهار کرد؛ مثل نقطه و فاصله ای که در میان سطرها، کلمه ها و جمله ها می گذارند و همان نقطهٔ خالی از نوشته، مانند نوشته های کتاب، معنایی می دهد که جز با آن نقطه با هیچ نوشته ای آن معنا را نمی توان بیان کرد.»

حکام قوف نشان از واقعیتی انکارناپذیر از محبوبیت علمی امام حسین علیه السلام در میان مردم دارد. با آن که مردم در فشار حکومت بوده و جاسوسان و کارآگاهان همه جا در تعقیب آنها بودند تا کسی با امام حسین علیه السلام رابطه نداشته باشند، اما قدرت سرنیزه و زور نظامی چگونه می تواند مردم را از خودشان، دلشان و ضمیرشان جدا کند؟ قدرت، هر میزان که باشد نمی تواند بر شعور بشر مسلط شود و سرنیزه هر قدر که کاری نافذ باشد به باطن انسان و معنویت او نفوذ نمی کند.
علائلی در ادامه آورده است: «حسین علیه السلام کثیر الحدیث و الروایة بود، آن زمان با اینکه تعداد بسیاری از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل حدیث می کردند، اما مردم همه آنها را ترک کرده و به مجلس حسین علیه السلام می آمدند.» پس از این، علانلی احدیثی از آن حضرت نقل می کند.
اخباری که از امام حسین علیه السلام نقل شده حاکی از علم و ذوق سرشار، قوت فطانت، استعداد و قریحه و استحکام منطق اوست. این اخبار بیش از آن است که قابل شمارش باشد. آن حضرت به گونه ای در مسائل علمیه با جودت ذهن و حدت خاطر اظهار نظر می کرد و فتوا می داد که موجب تحتیر مردم می شد، تا حدی که عبدالله بن عمر در حق او گفت: «أَنَّهُ یَعْرِ الْعِلْمَ عَرًّا» امام حسین علیا السلام در بیت نبوت و ولایت از سرانگشت علوم رسول خدا صلی الله علیه وآله غذا خورد، و از سینه معارف اسلام شیر مکید و رشد و نمو یافت.

سه شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۷

تکیه

### نجوا با عاشورا



نجوا با عاشورا و سخنی در ابعاد و اکتون را با یاری بس گران و طاقث سوز، از اندوهان و تجربه ها و چگونگی رویدادها...! دوست دارم با عاشورا نجوا کنم، و در معبر جلیل این حضور عظیم، سر بر آستان لحظه های سیورزتهای متعالی نهم، و فیضان آیات عدل را در این منشور خونین لمس کنم، و دردهای تراکم یافته در استخوان انسان محروم و مظلوم را، و مظلومیت تعالیم مغفول و مکتوم را ، با فریاد باز گویم، و همه ی بیدادهایی را که بر ستمدیدگان رفته است و می رود - دوباره - در گوش عاشورا زمزمه کنم، و خون دلی را که برگونه های انسان بی پناه روانست بر لوح عاشورا بنگارم ... و لحظه هایی در جاذبه ی این حضور شگرف انسانیت محو گردم:

عاشورا حضور شگرف انسانیت است در هر جا و هر روز عاشورا مانده ی بزرگ روح انسان است ، در تداوم اعصار عاشورا محتوای راستین زمان است، در ملکوت زمین عاشورا ضربان قلب خورشید است، در سینه ی خاک عاشورا سیوررت روح کلی است ، در تکاپوی پرشکوه تکلیف عاشورا تجسم اعلاى وجدان بزرگ است ، در دادگاه روزگار عاشورا ذات متعالی ارزش است، در مقایس ها، هر مقیاس عاشورا عظمت سرشاری لحظه هاست، در فوران یزرگ سبیده

عاشورا حضور نور است، در سبطره ی بی امان ظلمت عاشورا صلابت شجاعت انسان است، در تجلیگاه ایمان عاشورا جاری سیال مناجات است در محراب حماسه عاشورا طواف خون است، در احرام فریاد عاشورا تجلی کعبه است ، در میقات خون عاشورا بلوغ روز است، در استلام آفتاب عاشورا شفق خونبار است، در فجر آگاهی عاشورا روح توفانگر عدالت است ، در کالبد آفاق عاشورا بارش خونین لحظه هاست، بر ارواح خروشان عاشورا نقش بیدار گذرها و رهگذرهاست. در کاروان دراز آهنگ زندگی ها و عبورها

عاشورا نجوای بزرگ صخره هاست، در دشتها و هامونها عاشورا بازخوان تورات و انجیل و زبور است ، در معبد اقدام عاشورا ترتیل آیات قرآن است، در الواح ابدیت عاشورا ندّ نگهبانی تعالیم وحی است، در آفاق زمان ها عاشورا خون خداست، جاری رگهای تنزیل عاشورا اعلان ان الله یأمرُ بالعدل است ، و پشتوانه ليقوم الناس بالقسط

عاشورا حنجره ی خونین کوه حرا ست . در ستیغ ابلاغ عاشورا درگیری دوباره ی پیامبر(ص) است، با جاهلیت بنی امیه و شرک قریش

عاشورا تجدید مطلع رجزهای بدر است و حنین

عاشورا خطّ بطلان است بر موجودیت دوباره ی احزاب و خیبر

عاشورا انفجار نماز است در شهادت و انفجار شهادت است در نماز

عاشورا راز حَبّ اِزلی است، در افشایی شکوهمند

عاشورا قتلگاه اشباح توحید است ، در مصاف تجسم شرک عاشورا تبلور شکوهراد جاودانگی حق است، در تباهستان ناپود باطل

عاشورا نماز شب یازدهم است، در سکوت خروشان خیمه های سوزان

عاشورا رمز بقای دین اسلام است وبر قراری آیین حق (حسین منی و انا من حسین)

عاشورا خروش تندر آسای عدل است ، درکلیت ناچیز کاخ دمشق، و سپس کلیت ناچیز همه کاخ ها و قدرتها عاشورا نفی همه ستم ها و پلیدیها و پستی ها و فجورها و ظلم ها و حق کشی ها ست ، به هر نام و در هر عملکرد عاشورا فریاد گسترانسانهای مظلوم است ، در همه ی تاریخ

عاشورا غمگسار سترگ یتیمان و کوخ نشینان است؛ در هر جای زمین

عاشورا دست نوازش انسانیت است، بر سر بی پناهان

عاشورا رواق سرخ حماسه است، در تاریخستان سیاهی و بیداد

عاشورا قلب تپنده دادخواهان است، در محکمه ی بشریت

عاشورا طنین بلند پیروزی است، در گوش آبادی ها

عاشورا شهادتی است تابیده، برچکادهای افراشته ی پیروزی عاشورا رسالتی است بزرگ ، بر دوش اسارتی رهایی بخش عاشورا خروش طنین افکن آزادگی است ، در زندگی

عاشورا بانگ رسای همه ی انسانهاست، در همه ی تاریخ ، از

همه ی حنجره های پاک خدایی

عاشورا آبروی نمازگزاران است و عَزّت مسلمانان و سرانجام ، عاشورا ، رکن کعبه است و پایه ی قیله و عماد اَمّت و حیات قرآن، و روح نماز و بقای حج و صفای صفا و مر وه و جان مشعر و منی

و عاشورا ، هدیه ی اسلام است به بشریت و تاریخ

آری، عاشورا، از لحظه ی آغازین خویش ، یعنی ترک مکه ، زلزله ای خروشناک و گسترنده بود، که معیارها را دگرگون کرد، و پرچم رسالتی بزرگ را برافراشت ، و مرزهای صیانت قرآن را استوار گردانید ، و بنیاد جامعه ی منحرف اسلامی آن روز را به لرزه درآورد.